

آینده پژوهی امنیت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران

مسعود مطلبی^۱

چکیده

در هزاره جدید، مقوله امنیت اجتماعی به عنوان یکی از ارکان امنیت ملی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه‌ای همچون ایران، مورد توجه قرار گرفته است. نگارنده تحقیق حاضر بر این فرض تأکید دارد که امنیت ملی برخلاف دیدگاه واقع‌گرایانه سنتی، صرفاً به معنای امنیت نظامی آن‌هم در سطح خارجی نیست و سطح داخلی آن در تأمین امنیت می‌تواند به اندازه سطح خارجی‌اش مهم باشد چرا که مطالعه کشورهای در حال توسعه بیانگر آن است که بیشترین تهدید امنیت ملی این کشورها ناشی از مسائل داخلی، از جمله مسائل اجتماعی و سیاسی آن‌ها است و ناامنی و تهدیدات اجتماعی داخلی، تقریباً موضوعی رایج در مطالعات امنیتی این کشورها محسوب می‌شود. نوشتار حاضر تلاش دارد با بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی و به شیوه توصیفی-تحلیلی و با هدف شناخت مقوم‌ها و چالش‌های امنیت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران این مهم را بازکاوی نماید.

واژه‌گان کلیدی: آینده‌پژوهی، امنیت، امنیت اجتماعی، شهروند، جامعه ایرانی.

۱- استادیار علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران. (نویسنده مسئول)

mmtph2006@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۵

مقدمه

امنیت اجتماعی همواره به عنوان یکی از نیازهای اساسی هر جامعه انسانی مطرح بوده است، زیرا وجود این پدیده در سطح جوامع نظم و بقاء را به عنوان مهمترین کارکرد اساسی خود بوجود می‌آورد. در واقع این پدیده از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین کار و ویژه‌های نهاد اجتماعی حکومت یا همان دولت می‌باشد؛ که مردم حق خود را در مورد دفاع از حریم عمومی و خصوصی، حفظ جامعه به نهاد اجتماعی حکومت تفویض می‌کنند، که این مساله بر اساس دیدگاه نخبه‌گرایی بیانگر نقش بارز نهاد اجتماعی حاکمیت در تأمین امنیت در سطح جامعه بر عهده حکومت می‌باشد. در مقابل این ایده، باید به این اشاره کرد که آنچه منشاء این فرایند است باید در فرایندهای بنیادی تر مورد بحث قرار گیرد؛ که این فرایند (امنیت اجتماعی) در بطن جامعه جای دارد؛ بنابراین استمرار وجود ارزش‌های فرهنگی، فرایند اجتماعی شدن، وفاق و همکاری اجتماعی و... در بین شهروندان می‌تواند از مهمترین عوامل ارتقاء و تقویت امنیت اجتماعی به صورت واقعی باشد. بر این اساس نظام اجتماعی در هر جامعه ای برای اعمال کارکردهایش نیازمند امنیت اجتماعی است، زیرا شرایط جدید جوامع ناشی از رشد شهرنشینی، و گزلفاشتی شدن روابط اجتماعی موجب این شده که همبستگی‌های اجتماعی، مشارکت‌های مدنی، سرمایه‌های اجتماعی روابط جمعی و... کاهش یابد و حیات جمعی به سمت فردی شدن و تضعیف کارکردهای نهادهای اجتماعی سوق یابد، و این مسائل باعث رشد آسیب‌های اجتماعی و بروز جرائم و انحرافات اجتماعی در حد وسیع و گسترده می‌گردد؛ از سوی دیگر کارویژه‌های نهادهای درون نظام اجتماعی در حال کمرنگ شدن و کاهش بوده است، به گونه ای که ابعاد مختلف امنیت با افزایش جرائم در وضعیت بحرانی شدید قرار گرفته است و فرصت‌ها و خلاقیت‌های شهروندان در حال امحاء بوده و این مسائل باعث شده که نگرانی‌های بسیاری در زمینه حیات جمعی جامعه افزایش یابد.

بر این اساس چنانچه ملاحظه می گردد استمرار وجوه امنیت اجتماعی در جامعه در حال توسعه ای چون ایران می تواند امنیت جامعه و نهادهای اجتماعی را تضمین و تامین نماید. تحقیق حاضر تلاش دارد با بهره گیری از مطالعات آینده پژوهی این مهم را از زوایای همچون عوامل ایجادکننده امنیت اجتماعی، عوامل مقوم امنیت اجتماعی، پیامدهای امنیت اجتماعی، پیامدهای ناامنی اجتماعی و آسیب‌های ناشی از فقدان امنیت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران بررسی نماید. آینده پژوهی در این تحقیق بازتاب دهنده چگونگی زایش واقعیت فردا «امنیت اجتماعی» از دل تغییر یا ثبات امروز «تهدیدات و آسیب‌های اجتماعی» است.

۱. مفهوم شناسی امنیت اجتماعی

«امنیت» از جمله مفاهیم پیچیده‌ای است که ارائه تعریف واحدی از آن به سادگی میسر نیست. «امنیت» پیش از آنکه مقوله ای قابل تعریف باشد پدیده ای ادراکی و احساسی است یعنی این اطمینان باید در ذهن توده مردم، دولتمردان و تصمیم گیران به وجود آید که برای ادامه زندگی بدون دغدغه امنیت لازم وجود دارد [یا نه] (کاظمی، ۱۳۷۲، ۱۱۷). در تعریف «لغوی» امنیت عبارت از «محافظت در مقابل خطر، احساس ایمنی و رهایی از تردید است.» (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲) در «فرهنگ لغات» امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بدون بیم و هراس بودن آمده است؛ به عنوان مثال در فرهنگ «معین» امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بی بیمی تعریف شده است. (فرهنگ معین، ۱۳۶۳: ۳۵۲)، در فرهنگ عمید ایمنی، آرامش و آسودگی (فرهنگ عمید، ۱۳۷۹: ۲۳۳) و در فرهنگ «المنجد» اطمینان و آرامش خاطر (فرهنگ المنجد، ۱۹۷۳: ۱۸) معنا شده است.

در مجموع می توان مفهوم «امنیت» را به مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و در مورد افراد، به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی های مشروع و به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی ها، و مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر

و حوادث غیرمترقبه و در کل هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد؛ تعریف نمود. (Jones, 1999: 102-4)

گاه ممکن است جایگاه امنیت فردی در مقابل امنیت جامعه مورد سؤال قرار گیرد. «امنیت فردی»، آرامش و آسایشی است که فرد بدون در نظر گرفتن امکانات جامعه و دولت برای خود فراهم می‌کند. اما «امنیت اجتماعی» عبارت است از «آرامش و آسودگی خاطری که جامعه و نظام سیاسی برای اعضاء خود ایجاد می‌کند» (حسنی فر، ۱۳۸۳: ۱۲۴). به نظر می‌رسد پس از اینکه امنیت فردی مورد شناسایی قرار گرفت، افراد برای تحقق و تحکیم امنیت و جایگاه خود ناگزیر از عضویت در اجتماعات یا گروه‌های مختلف اجتماعی هستند. این سطح از امنیت تحت عنوان امنیت اجتماعی (Societal Security) مورد توجه و بحث قرار می‌گیرد. امنیت اجتماعی، نوع و سطحی از احساس اطمینان خاطر است که جامعه و گروه در آن نقش اساسی دارد. امنیت اجتماعی درون «مقوله» امنیت بحثی قابل طرح است که به بعد داخلی امنیت برمی‌گردد. یعنی مسائلی که در حوزه‌های متفاوت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و قضایی، افراد جامعه با آن مواجهه هستند. آن‌ها در چارچوب بحث «امنیت اجتماعی» قابل بررسی هستند (حسنی فر، ۱۳۸۳: ۱۲۵).

شاید بتوان گفت عنصر ایدئولوژیکی، ذهنی بودن و نسبی بودن امنیت از مهم‌ترین نارسایی‌های موجود در تعریف امنیت اجتماعی است ولی آنچه مسلم است، واژه امنیت می‌تواند در دو بعد ذهنی و عینی قابل اندازه‌گیری باشد، در مفهوم عینی، اندازه‌گیری فقدان تهدید علیه ارزش‌ها است و در مفهوم ذهنی، فقدان احساس ترس از اینکه چنین ارزش‌هایی مورد حمله قرار خواهد گرفت. پیوند ارزش‌های اجتماعی با واژه امنیت بر اهمیت هر چه بیشتر این موضوع افزود و دانشمندان اجتماعی بر این باور بودند هیچ چیز جز به اندازه کم‌رنگ شدن ارزش‌ها جامعه را تهدید نمی‌کند، به عنوان مثال ارسطو (تولد ۳۸۴ قبل از میلاد) خواستار نظم، آرامش، امنیت و وضع قوانین معتدل در جامعه بوده و معتقد بود که سوداگری، پول‌پرستی و افراط در ثروتمندی، فرزندان ناشایست برجای

می‌نهد و اصلاح و بازسازی و امنیت را از بین می‌برد (خوشفر، ۱۳۸۰: ۹۷). افلاطون در آثار متعدد خود خواهان جامعه‌ای آرمانی (مدینه فاضله) است که در آن همه مردم از امنیت اجتماعی برخوردار باشند. او معتقد بود که نباید گذاشت هم در فرد و هم در جامعه یکی از قوا بر دیگری پیشی گیرد زیرا در آنها تزلزل و انحطاط به وجود آمده و امنیت از بین خواهد رفت. لذا جامعه برای تامین امنیت اجتماعی و رفاه باید به سلاح علم و حکمت مجهز باشد. حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه در این زمینه می‌فرماید: «لیس بلد باحق بلد، خیر البلاد ما حملک» (حکمت ۴۳۴، ترجمه و شرح نهج‌البلاغه (فیض الاسلام)، ج ۶: صص ۱۲۹۱ و ۱۲۹۲) یعنی شهرها برای زندگی با هم فرقی ندارند. شهری برای زندگی مناسب است که در آن آسایش (امنیت و رفاه) وجود داشته باشد.

مالر (Moller) اندیشمند علوم اجتماعی بحث خود در باب امنیت اجتماعی را با شرح اشکال متفاوت امنیت آغاز می‌نماید. او معتقد است امنیت در سه شکل ملی، اجتماعی و انسانی وجود دارد که پاسخ به سوال اساسی امنیت برای چه کسی یا به بیان دیگر مرجع امنیت در هر یک از این اشکال متفاوت است و به تناسب تفاوت در مراجع امنیت، تهدیدات نیز متفاوت خواهد بود. مقام مرجع در امنیت ملی، دولت، در امنیت اجتماعی، گروه‌های اجتماعی و در امنیت انسانی تک‌تک افراد است (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۵۷). مالر تاکید دارد که امنیت اجتماعی را می‌توان به عنوان یک مفهوم فرضی برای هر جمع انسانی به کار برد و آن را عبارت می‌داند از قابلیت حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، انجمن‌ها، مذهب، هویت ملی و رسوم. به عقیده مالر در برخی موارد مساله امنیت اجتماعی تبدیل به هویت ملی و نهایتاً امنیت ملی می‌شود، مانند وضعیت پاکستان در قبال هند. از آنجا که اسلام وجدان سیاسی و هویت وجودی پاکستان را در مقابل هند نشان می‌دهد، هر گونه تهدید علیه دین مردم پاکستان از سوی هند تهدید امنیت ملی این کشور است. در حالی که تهدید هویت مسلمانان مقیم فرانسه این گونه

نیست و هر گونه تهدیدها واقعی یا خیالی علیه عقاید مسلمانان صرفاً یک تهدید اجتماعی است (نصری، ۱۳۷۸: ۲۱۶).

از دیدگاه ویور (Ole Waave) امنیت اجتماعی به توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی‌اش تحت شرایط تغییر و تهدیدها واقعی و محتمل تعریف می‌شود. وی بر ارتباط نزدیک میان هویت، جامعه و امنیت تأکید دارد و خاطرنشان می‌کند که جامعه امنیت هویتش را جست‌وجو می‌کند (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۶۲).

در مجموع و به رغم تعاریف متعدد برای امنیت اجتماعی در یک تعریف کوتاه و جامع، امنیت اجتماعی را می‌توان به عنوان ایمنی خاص مردم تعبیر کرد. فی الواقع امنیت اجتماعی توانایی جامعه برای حفظ هویت، منافع و ویژگی‌های اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدات و نیز توانایی ارتقای وضعیت اجتماعی به سمت ارزش‌ها و آرمانهای جامعه است.

این مفهوم دو وجه قابل تفکیک دارد. در یک وجه امنیت اجتماعی در قالب ایمنی خاطر یک شهروند به عنوان نماینده (Representative) تمامی مردم مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بررسی امنیت اجتماعی یک جامعه (یک کشور، یک شهر و یا یک محله) بر اساس میزان رضایتمندی (Satisfaction) و آرامش خاطر یک عضو نمونه آن جامعه بررسی و ارزیابی می‌شود. در این نوع مطالعه، جامعه مجموعه‌ای همگن (Homogenous) تلقی شده و از تفاوت‌ها، نابرابری‌ها و ناهمگنی‌های (Heterogeneity) درون جامعه صرف‌نظر می‌شود. وجه دوم امنیت اجتماعی به تعامل (Interaction) افراد جامعه با یکدیگر نظر دارد. در این بعد، رابطه مردم یک جامعه با دولت، نهادها (Institutions) و مردم دیگر جوامع مدنظر می‌باشد.

۲- مبانی نظری مفهوم امنیت اجتماعی

۲-۱- رویکرد قرآنی به مفهوم امنیت اجتماعی

از نظر قرآن امنیت اجتماعی از نعمت های بزرگ خداوند به هر جامعه ای است و جامعه ای که از چنین نعمتی برخوردار می باشد می بایست همواره شکرگزار و سپاسگزار خداوند باشد که از چنین خیر بزرگی برخوردار می باشد (سوره نحل، آیه ۱۱۲). اهمیت و ارزش امنیت اجتماعی بوده است که حضرت ابراهیم (ع) را وادار می سازد تا برای ایجاد امنیت اجتماعی در مکه حتی برای غیر اهل ایمان، دعا و نمایش کند (سوره بقره، آیه ۱۲۶).

در همین راستا می توان به مطلوب بودن امنیت اجتماعی در جوامع اشاره کرد که حضرت یوسف (ع) در هنگام پناه دادن خانواده خویش در مصر به آنان یادآور می شود که اگر وارد مصر شوید ان شاء الله در امنیت قرار خواهید گرفت (سوره یوسف، آیه ۹۹). به نظر می رسد که آن چه دغدغه اصلی حضرت یعقوب (ع) و حضرت یوسف (ع) بوده، مشکل امنیت انسانی است که شامل همه انواع و اقسام امنیت (سوره مائده، آیه ۲ و سوره قصص، آیه ۵۷ و سوره عنکبوت، آیه ۶۷ و آیات دیگر) بوده که امنیت اجتماعی در درجه نخست اولویت است. از این روست که حضرت یوسف (ع) امنیت آل یعقوب (ع) را در مصر تضمین می کند.

خداوند در آیات ۹۴ تا ۹۸ سوره کهف امنیت اجتماعی را تبلور رحمت و مظهر مهر الهی دانسته است. بنابراین هر جامعه ای که از امنیت انسانی برخوردار نباشد می توان گفت که از رحمت و مهر الهی دور افتاده و از سلامت برخوردار نمی باشد. هر گونه ناامنی راه ها (اعراف آیات ۸۵ و ۸۶) و محیط (سوره آل عمران، آیات ۹۶ و ۹۷ و سوره بقره، آیه ۱۹۱) می تواند امنیت روانی جامعه را مختل کند که نتیجه ای جز فروپاشی درونی جامعه نخواهد داشت.

برای دست یابی به امنیت می بایست افزون بر توحید و ایمان خالص (سوره انعام، آیه ۸۱ و ۸۲) با هر گونه فسادانگیزان و آشوب گرانی که سلامت جامعه ایمانی را در معرض خطر

قرار می‌دهند مبارزه و آنان را سرکوب کرد (سوره مائده، آیه ۳۳) و با تقویت عده و عده نظامی و بنیه دفاعی کشور (سوره انفال، آیه ۶۰) و جهاد در راه خدا (سوره نساء، آیه ۸۴) مرزهای بیرونی را تقویت کرد و با مبارزه با علل و عوامل آسیب‌زا به اعتماد اجتماعی چون افشاگری و شایعه‌پراکنی، غیبت، چک بی‌محل کشیدن، پیمان‌شکنی و زیر قول و قرارهای شفاهی زدن و مانند آن، ضریب امنیت اجتماعی جامعه را افزایش داد.

۲-۲- رویکرد سنتی به مفهوم امنیت اجتماعی

امنیت در رویکرد سنتی به مفهوم عدم امکان تعرض و خطر است. بر این اساس آنچه موجب جلوگیری یا کنترل خطرات و تهدیدات قدرت می‌باشد، امنیت محسوب می‌شود (لیک و ای مورگان، ۱۳۸۱: ۴۵-۴۰). در این نگاه، امنیت اجتماعی در بستر حفظ و بقای زندگی مطرح می‌شود؛ یعنی باید زندگی اعضای جامعه حفظ شود و برای آنکه این امر جامعه عمل بپوشد، نیازمند حذف یا حداقل کاهش عواملی هستیم که حفظ و بقای زندگی را تهدید می‌کند، حیات آن را با اشکال مواجه می‌نماید و روند استمرار زندگی را مختل می‌کند. بنابراین هر آنچه که مخل نظم جاری زندگی می‌شود، می‌تواند به عنوان تهدیدی برای امنیت تلقی شده و در دستور کار دولت قرار گیرد (اورعی، ۱۳۷۵: ۱۳۲). باری بوزان نیز معتقد است که امنیت به مدد سیستم‌های نظارتی قدرتمند اعمال می‌شود و به میزان کاهش قدرت نیروی نظارتی و کاهش مشروعیت سیستم‌های نظارتی، امنیت کاهش یافته و آسیب‌پذیری چهره می‌نماید (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۵۵-۳۵۱). بنابراین در رویکرد سنتی هر آنچه که بقای جامعه را در بُعد فیزیکی - مادی تضمین می‌نماید، در صورت آسیب‌پذیری به عنوان تهدیدی برای امنیت محسوب می‌گردد (بیگدلی، ۱۳۷۹: ۲۵-۲۴).

۲-۳- رویکرد مدرن به مفهوم امنیت اجتماعی

در این رویکرد، مفهوم امنیت اجتماعی به معنای احساس آرامش و اطمینان خاطر و فقدان دلهره، تشویش، اضطراب و ترس می‌باشد. در حقیقت امنیت اجتماعی معطوف به حفظ روش و نوع زندگی می‌باشد (گیدنز، ۱۳۸۰: ۲۹۱). در این نگاه، عرصه برخورداری از

آموزش، امکان کسب اطلاعات و دست یابی به ابزارهای اطلاعاتی نو، برخورداری از عدالت، آزادی، احترام متقابل و حرمت به تنوع افکار و زندگی مورد توجه بوده و تعرض به این حوزه‌ها به عنوان تهدیدات امنیت اجتماعی مطرح می‌گردند (پای و بایندر، ۱۳۸۱: ۲۹۱).

در مجموع، در رویکرد سنتی، امنیت اجتماعی به بقای اعضای جامعه نظر دارد و عوامل فیزیکی - مادی که بقای جامعه را تهدید می‌کنند، به عنوان تهدید امنیت اجتماعی تلقی شده و از طریق اعمال زور و قدرت در جهت مقابله با آن اقدام می‌گردد. در رویکرد مدرن، امنیت اجتماعی به نوع بقای اعضای جامعه توجه دارد و عوامل معنوی - فرهنگی که شیوه‌های گوناگون زندگی را آسیب پذیر می‌گردانند، به منزله تهدید اجتماعی خواهند بود (گزارش امنیت اجتماعی، ۱۳۸۲).

امنیت اجتماعی به محافظت و پاسداری از احساس تعلق یا همان احساس ما نظر دارد. حراست و نگهداری از احساس «مایی» ریشه در حفظ عوامل اجماع میان افراد دارد (بیرو، ۱۳۷۰: ۱۵۷). و چنان که عوامل اجماع و همبستگی حفظ شود، احساس «مایی» برجا مانده، اعضا در کنار یکدیگر باقی می‌مانند، احساس تعلق و وابستگی به جامعه را حفظ می‌نمایند و نسبت به مشکلات و مسائل آن احساس تعهد و تکلیف می‌کنند. باید در نظر داشت که احساس وابستگی و همبستگی میان اعضای جامعه که ضامن دوام جامعه است، زمانی دوام و قوام خود را حفظ می‌کند که افراد از امکانات لازم و متعارف برای رشد و ترقی بهره مند شوند؛ یعنی احساس تعلق نیازمند پشتوانه عینی و واقعی است که با برخورداری افراد از امکانات مادی چون بهداشتی، تربیتی، آموزشی، شغلی و امکانات معنوی مانند آزادی، عدالت و غیره فراهم می‌شود (علینقی، ۱۳۸۰).

به کلامی واضح‌تر، دو وجه تهدید و فرصت که حکایت از دو روی یک سکه دارند، در امنیت اجتماعی نیز قابل مشاهده هستند. به این ترتیب، حریم جامعه که با حفظ و نگهداری از احساس «مایی» قدرت مقابله با خطرات را پیدا می‌کند، زمانی دوام خواهد

یافت که افراد با برخورداری از امکاناتی که در سایه جامعه فراهم می‌شود، به آرامش خاطر رسیده و احساس خشنودی و رضایت از داشتن عضویت در چنین جامعه‌ای را پیدا کنند؛ یعنی جامعه اعضایش را هم از خطرات محافظت نماید و هم آنان را در رسیدن به خواست‌ها و اهدافشان که موجب بهبود شرایط زندگی می‌شود کمک نماید (صالحی امیری و کاووسی، ۱۳۹۱).

۳. امنیت اجتماعی در ایران

پس از مرور و تبیین مفهوم و نظریه‌های امنیت اجتماعی، این پرسش قابل طرح است که آیا مضمون امنیت اجتماعی و اشکال بروز و ساماندهی آن در همه جوامع یکسان است؟ چگونه می‌توان ضمن استفاده از تجربه‌ها و یافته‌های جهانی، ملاحظات بومی را در طراحی و تفسیر امنیت اجتماعی در آینده دخیل نمود؟ فرض بر آن است که ریشه‌های بروز و شیوه‌های مدیریت امنیت اجتماعی در جوامع گوناگون، متفاوت است. این فرض را نظریه پردازان اولیه امنیت اجتماعی نیز می‌پذیرند.

در پژوهشی که با عنوان «مسائل اجتماعی ایران» انجام گردیده است، گروهی از محققان علوم اجتماعی به استخراج عینی مسائل اجتماعی در ایران پرداخته‌اند. این گروه پژوهشی با تهیه پرسشنامه‌ای، مهمترین عوارض اجتماعی، اولویت و موضوعیت آن‌ها را از عامه مردم، مسئولان و مطلعین جویا شده‌اند. مهمترین مسأله اجتماعی از دید سه گروه مذکور، صبغه اقتصادی دارند و به فقر و اشتغال مربوطند. در این تحقیق هویت‌خواهی مقام پنجم و افسردگی روانی آخرین مسأله اجتماعی ایرانیان ذکر شده است (محمدی: ۱۳۸۳)

همانگونه که بیان شد امنیت اجتماعی عبارت است از اطمینان خاطر افراد جامعه و نیز گروه‌های اجتماعی نسبت به موجودیت و انسجام خود در قبال تحولات عمدی (مانند کوچاندن هوشمند یک قوم) و تحولات عادی (مانند زلزله یا گسست نسلی). بر اساس این تعریف، موضوع امنیت اجتماعی در ایران فقط گروه نیست بلکه فرد نیز به عنوان عضو

گروه و مولفه سازنده جامعه در شمول امنیت اجتماعی قرار می‌گیرد. همچنین افراد و گروه‌ها، هم دغدغه موجودیت خود را دارند و هم نگران هویت و انسجام جمعی خود می‌باشند. عناصر اصلی امنیت اجتماعی در ایران با فرض نسبی بودن، تنوع، قابل کنترل بودن، تغییر و چند وجهی بودن مفهوم امنیت اجتماعی در ایران، مهمترین دغدغه‌های ایرانیان (در سطح فردی و گروهی) به ترتیب وزن و نقش موثر، عبارتند از:

۳-۱. بیکاری و فقر اقتصادی: مرکز آمار ایران، میانگین نرخ بیکاری سال ۱۳۹۴ را ۱۱ درصد اعلام کرد. این نرخ برای مردان ۹,۳ و زنان ۱۹,۴ درصد است.

۳-۲. اعتیاد: آمار ابتلا به اعتیاد در کشور یک میلیون و ۳۵۰ هزار نفر که با مصرف کنندگان تفنی به ۲ میلیون نفر می‌رسد (سایت الف، چهارشنبه ۲۹ مهر ۱۳۹۴).

۳-۳. طلاق، خشونت و ناهنجاری‌های خانوادگی: در سال ۱۳۹۴ شمسی ۱۶۳ هزار و ۷۶۵ طلاق رخ داد که ۲,۱ در هزار است و بیشترین فراوانی طلاق در بین زنان و مردان ۲۵ تا ۲۹ سال ثبت شده است. ۱۳ درصد از این طلاق‌ها به کمتر از یک سال از آغاز زندگی مشترک و ۴۷,۳ درصد ازدواج‌ها در ۵ سال اول زندگی مشترک رخ داده است. طول مدت ازدواج‌های منجر به طلاق ۸,۳ سال بوده است. ۳,۴ از طلاق‌ها نیز در بالای ۳۰ سال زندگی مشترک رخ داده است. میانگین سن طلاق مردان ۳۵ سال و زنان ۳۰ سال بود، بیشترین درصد طلاق ثبت شده در استان‌های البرز، تهران و گیلان و کمترین درصد در استان‌های سیستان و بلوچستان، ایلام و چهارمحال و بختیاری بوده است. ۲۴,۵ درصد از زنان طلاق گرفته دارای مدرک دیپلم و پیش‌دانشگاهی و ۲۷,۴ درصد مردان نیز دارای همین مدرک بوده‌اند. ۱۳ درصد مردان و ۱۴,۶ درصد زنان طلاق گرفته نیز دارای مدرک لیسانس بوده‌اند (خبرگزاری ایسنا، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۵).

۳-۴. فساد اقتصادی: فساد به تمام اشکال گوناگون انحراف با اعمال قدرت شخصی و استفاده نامشروع از مقام شغلی قابل اطلاق است و در پدیده فساد اقتصادی سه دسته از افراد جامعه شامل سیاستگذاران و مدیران عالیرتبه دولتی، کارمندان شاغل در نظام اداری و

شاغلین در بخش خصوصی دخالت دارند. هر یک از وابستگی‌های متقابل دولت و جامعه می‌تواند به بستر مناسبی برای فساد و قانون شکنی تبدیل گردد. یکی از پارمترهای ارزیابی وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورها، شاخص فساد اقتصادی می‌باشد. این نوع فساد، سوء استفاده از اعتماد مردم در جهت منافع شخصی است که معمولاً در قالب رشوه، اختلاس، تقلب، کلاهبرداری و اخاذی ظهور می‌کند. هیچ کشوری نمی‌تواند ادعا نماید که عاری از هرگونه فساد اقتصادی است. اقتصاد ایران هم سال‌هاست با این پدیده شوم روبروست. انحصارات وسیع، ساختار رانتی، سطح پایین کیفیت قوانین و عدم شفافیت گسترده موجب شده است که متأسفانه ایران در زمره کشورهای فاسد محسوب شود.

۳-۵. فساد و فحشا: عوامل روی آوردن زنان به فحشا را می‌توان فقر، اعتیاد، ازدواج اجباری، بیکاری، زیاده خواهی و تنوع طلبی مردان، وجود فضای یاس و ناامیدی بین جوانان و عدم وجود امکانات برای ازدواج و تشکیل خانواده، ازدواج مجدد مردان و طلاق برشمرد.

بی‌اعتمادی، هویت خواهی، تبعیض، نظام تأمین اجتماعی، جنایات سازمان یافته، مسائل زنان و بیماریها و اختلالات روانی از دیگر آسیب‌های اجتماعی تضعیف کننده امنیت اجتماعی در جمهوری اسلامی بشمار می‌آیند.

۴. آینده پژوهی عوامل ایجادکننده امنیت اجتماعی در ایران

عوامل متفاوتی در ایجاد امنیت اجتماعی دخالت دارند که به ذکر برخی از مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود:

۴-۱. محوریت قانون، قانون‌گرایی، اجرای دقیق قانون و به ویژه پای بندی نهادهای رسمی به قواعد و مقررات اجتماعی.

۴-۲. گسترش و تعمیم دایره سرمایه‌های اجتماعی در جامعه.

۳-۴. افزایش و ارتقا دامنه تعاملات، ارتباطات و همکاری متقابل اعضای جامعه با یکدیگر (درهم تیدگی، ارتباطی اعتمادزا، تعهدآفرین، حمایت کننده و تعلق آفرین است).

۴-۴. اعتماد اجتماعی به معنای خوش بینی و غلبه بر بدبینی است و بالعکس، اعتماد خاص گرایانه، تخریب کننده و کم ارزش می باشد، همچنین «اعتماد تعمیم یافته» نقش بنیادینی در احساس امنیت دارد.

۴-۵. پاسخگو بودن نهادهای دولتی و رسمی در مقابل افکار عمومی و نیز عرصه و سپهر عمومی.

۴-۶. اقتدار همراه با سلامت اخلاقی و تعهدورزی در ساختار کنترلی جامعه.

۴-۷. ارزشمندی انسان به عنوان یک «ارزش در خود» و ارزشمندی اخلاق و صفات اخلاقی به عنوان یک «ارزش تعمیم یافته» و فروپاشی نظام اخلاقی و کاهش ارزش آدم‌ها و اهمیت یافتن عنصر مصلحت گروهی، امنیت اجتماعی را به حسیض توحش فرو خواهد غلطانید.

۴-۸. تأمین حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی، به ویژه تعیین حدود و مرزهای حقوق فردی و احترام و پایبندی به آن، از جانب نهادهای رسمی.

۴-۹. توسعه روابط با سایر جوامع و تشنج زدایی و کاهش تشنجات و چالش‌ها در سطوح منطقه ای بین المللی.

۴-۱۰. میدان دادن و فضا سازی برای مشارکت تمامی مردم در عرصه‌های متفاوت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، مذهبی. نشاط و پویایی روانی ناشی از مشارکت، به انسان‌ها رضامندی، آرامش روان شناختی و امیدواری خواهد بخشید (صالحی امیری و کاووسی، ۱۳۹۱).

۵. آینده پژوهی عوامل مقوم امنیت اجتماعی در ایران

۵-۱. افزایش یا کاهش اقتدار دولت در افکار عمومی با امنیت اجتماعی رابطه مستقیم دارد.

۵-۲. میزان پاسخگویی دولت به مطالبات اجتماعی مردم با افزایش میزان امنیت اجتماعی رابطه مستقیم دارد.

- ۳-۵. حاکمیت مقررات و قانون به جای حاکمیت رابطه، خویشاوندی، رشوه و ... در نظام اداری با افزایش یا کاهش امنیت اجتماعی رابطه مستقیم دارد.
- ۴-۵. افزایش یا کاهش میزان ناهنجاری‌های اجتماعی (فقر، طلاق، سرقت، ایدز و ...) در نگرش مردم به امنیت اجتماعی تأثیر مستقیم دارد.
- ۵-۵. نظام شهروندی یعنی مجموعه قواعد حاکم بر شهروندان در یک شهر، تأثیر مستقیم در افزایش یا کاهش امنیت اجتماعی دارد (ترافیک، حمل و نقل شهری، رفتارهای عمومی، ارتباط و رفتار شهروندان با یکدیگر).
- ۶-۵. احساس امنیت عمومی یعنی امنیت خاطر (درونی شهروندان از مال، جان، مسکن و ... که خود از جلوه‌های سازمان یافتگی، قانون مندی و اقتدار دولت است) مانند حضور مقتدرانه پلیس، عکس العمل و مقابله جدی با ناهنجاری‌های اجتماعی و ... با افزایش احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیم دارد.
- ۵-۷. سطح توسعه یافتگی فرهنگی جامعه با میزان امنیت اجتماعی رابطه مستقیم دارد (بالا بودن سطح درک و شخصیت اجتماعی، تعامل انسان‌ها با یکدیگر، نوع دوستی، اخلاق گرایی).
- ۸-۵. افزایش سطح آموزش و جامعه‌پذیری از طریق نهادهای آموزشی (آموزش و پرورش، آموزش عالی و ...) و رسانه‌های رسمی و غیررسمی (صدا و سیما، مطبوعات، اینترنت، NGOها و ...) در کاهش میزان ناامنی اجتماعی نقش مستقیم دارد. اصلی‌ترین نهاد آموزش امنیت اجتماعی، آموزش و پرورش می‌باشد.
- ۹-۵. اخلاق اجتماعی (زبان، آداب و احترام اجتماعی شهروندان نسبت به یکدیگر) نقش مستقیم در افزایش یا کاهش امنیت اجتماعی دارد (حجم زیاد مشاجرات و نزاع‌های دسته جمعی، برخوردهای لفظی، اتهامات، انگ زنی‌ها و تصادفات جملگی ناشی از ضعف اخلاق اجتماعی در جامعه ایران می‌باشند).

۱۰-۵. معماری و ساختار شهرها نقش مهمی در امنیت اجتماعی دارد(شهرهایی که از هارمونی معماری و نظم شهری برخوردار نیستند، امکان کنترل پلیس و دولت را کاهش می‌دهند؛ از طرفی میزان حاشیه نشینی و آشفتگی رفتاری و ترافیکی، موجب سایر ناهنجاری‌ها می‌گردند)(صالحی امیری و کاووسی، ۱۳۹۱).

۶. آینده پژوهی پیامدهای امنیت اجتماعی در ایران

حوزه پیامدشناختی امنیت نیز بسیار گسترده است. اگر پذیرفته شود که امنیت تمامی عرصه‌های زندگی را به عنوان یک متغیر هژمونیک متأثر می‌سازد، در این صورت پیامدشناسی امنیت محدوده‌ای نخواهد داشت. برخی از پیامدهای امنیت اجتماعی در آینده عبارتند از:

- ۱-۶. تربیت انسان‌های والا مقام و شخصیت‌های سالم اجتماعی.
- ۲-۶. تقویت روح و منش جمع‌گرایی و عام‌گرایی در جامعه.
- ۳-۶. افزایش و ارتقاء سطوح ارتباطات بین شهروندان و نیز میان شهروندان و ساختارهای رسمی.
- ۴-۶. توسعه سطح مشارکت و حضور مؤثر اجتماعی شهروندان.
- ۵-۶. توسعه سطح نشاط اجتماعی و سیاسی شهروندان.
- ۶-۶. تقویت مشروعیت حاکمیت سیاسی در جامعه به دلیل ارزیابی مثبت از کارآمدی.
- ۷-۶. تعالی یابی اهداف و آرمان‌ها در سطوح فردی، اجتماعی و ملی.
- ۸-۶. افزایش شفافیت و صراحت دیدگاه‌ها و پیشگیری از شکل‌گیری رادیکالیسم رفتاری یا جنبش‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری.
- ۹-۶. تقویت اجماع، وفاق، انسجام و یکپارچگی، همبستگی ملی، نظم و ثبات سیاسی-اجتماعی.
- ۱۰-۶. تحدید یابی دایره تعارضات و چالش‌های سخت‌افزاری و رشد تفکر نقادی و دایره دانش.

۱۱-۶. رشد عقلانیت و کنش‌های عقلانی معطوف به عقلانیت و قانون محوری (صالحی امیری و کاووسی، ۱۳۹۱).

۷. آینده پژوهی پیامدهای ناامنی اجتماعی در ایران

- ۱-۷. برهم خوردن تناسب و تعادل حوزه عمومی و حوزه خصوصی.
- ۲-۷. غلبه «نظم سیاسی رسمی» بر «نظم اجتماعی» و کاهش امنیت هستی‌شناختی.
- ۳-۷. کاهش عزت نفس جمعی و در نتیجه وانهادن آرمان‌های ملی و غیرخودپرستانه.
- ۴-۷. افول نهادهای جامعه مدنی (واسطه‌ها و میانجی‌های اجتماعی) و توده‌واری جامعه.
- ۵-۷. پیشی گرفتن «دغدغه بقا» بر «دغدغه رشد و تعالی» و در نتیجه افول ارزش‌های فرامادی در مقابل معنایابی‌های سطحی و تخفیف یافته.
- ۶-۷. رشد نگرانی‌ها، اضطراب و فشارهای روانی و از دست رفتن حس آرامش و سکینه درونی.
- ۷-۷. ارتقاء دایره چالش‌ها و اصطکاک‌های ساختار رسمی با عرصه عمومی و دور باطل فروپاشی سرمایه اجتماعی.
- ۸-۷. آسیب‌پذیری فرهنگی ناشی از بدبینی و بی‌هویتی‌الگویی و وانهادن تعلقات اجتماعی و فقدان بازتولید معرفتی (صالحی امیری و کاووسی، ۱۳۹۱).
- ۹-۷. رنگ‌پریدگی اخلاقی و فقدان برنامه‌های ارجمندی اخلاقی و امید به طلوع صبح صادق.

۸. آینده پژوهی آسیب‌های ناشی از فقدان امنیت اجتماعی در ایران

در صورتی که امنیت اجتماعی از جامعه رخت بریندد یا مردم دچار نوعی احساس ناامنی شوند، جایگزین‌هایی برای امنیت به وجود خواهد آمد، جانشین آن خواهد شد و

کارکردهای آن را عهده دار خواهد گرفت. برخی از این جانشین‌های احتمالی در آینده عبارتند از:

- ۸-۱. فردگرایی، کاست گرایی و بستن دامنه تعاملات با دیگران و حتی از دست دادن تعلق به محیط.
- ۸-۲. تغییر نظام سنتی خانواده به سمت بی‌نظامی و نه لزوماً نظام صنعتی و مدرنیته.
- ۸-۲. خروج از جامعه به شکل مهاجرت (مجازی یا حقیقی).
- ۸-۳. فرصت طلبی برای نزدیکی به مبادی قدرت به عنوان تنها منبع موجد امنیت.
- ۸-۴. مراقبت گرایی و محافظه کاری در کنش‌ها و حضور اجتماعی.
- ۸-۵. ناجی گرایی؛ افزایش نگرانی‌ها و فشارهای روانی ناشی از آن در بلندمدت غیرقابل تحمل خواهد بود و میل به برون رفت، مردم را به سوی ناجی گرایی سوق خواهد داد.
- ۸-۶. حسیض یابی آرمان‌ها، خفت مطالبات و منفعت جویی‌های خودپرستانه.
- ۸-۷. شکل‌گیری کانون‌های قدرت پراکنده یا جنبش‌های اجتماعی خاموش (صالحی امیری و کاووسی، ۱۳۹۱).
- ۸-۸. گسترش فحشا، فساد، خیانت و بیماری‌های مقاربتی حتی بین بعضی از ساکنین روستاها.
- ۸-۹. ناامیدی روزافزون دختران تحصیل‌کرده از پیدا کردن کار مناسب و ازدواج متناسب.
- ۸-۱۰. نابسامانی اقتصادی (مرفهین و غیرمرفهین) (دارابی، ۱۳۹۵).

نتیجه‌گیری

مطالعات آینده پژوهی نشان می‌دهد که نمی‌توان امنیت اجتماعی پایدار را صرفاً با راهبردها و رویکردهای امنیتی و انتظامی محقق کرد چرا که روز به روز از اهمیت وجوه سخت افزاری امنیت کاسته و بر وجوه نرم افزاری آن افزوده می‌شود. به این مفهوم که اگر در گذشته و حال عوامل اجرایی و فیزیکی امنیت مانند پلیس، قاضی، اسلحه، حفاظت

فیزیکی و... بیشترین اهمیت را در تامین امنیت داشته و دارند، در آینده علاوه بر تمام این عوامل، وجوه نرم‌افزاری از قبیل مشروعیت نظام سیاسی، یکپارچگی اجتماعی، توان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، مدیریت قوی اقتصادی و توسعه، امور فرهنگی، اطلاعاتی و... حرف اول را در مباحث امنیتی می‌زنند. امروزه سیاستمداران و نظریه پردازان دریافته‌اند که تضمین امنیت ملی یک کشور که عمدتاً ناظر بر امنیت سیستم حکومتی و کارکرد درست نهادهای دفاعی - امنیتی در کشور است، در گرو فراهم آوردن امنیت اجتماعی است که عمدتاً ناظر بر امنیت مردم است و به هر میزان که این مولفه در میان سایر مولفه‌ها نقش بیشتری داشته باشد، امنیت ملی پایدارتر، کم هزینه‌تر و بالنده‌تر خواهد بود.

مطالعات آینده‌پژوهی نشان می‌دهد که نداشتن طرح جامع مهندسی و معماری اجتماعی و فرهنگی باعث می‌شود الگوها و شخصیت‌های مرجع در جامعه مخدوش شود و بحران‌های همچون بحران هویت، بحران نفوذ و بحران ادغام و یکپارچگی اجتماعی را در پی داشته باشد. لذا برای رسیدن به امنیت اجتماعی پایدار، باید به سمت اصلاح کارکرد نظام‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی رفت و گرنه هرگونه اقدامی بدون توجه به عوامل اجتماعی اقدامی کوتاه مدت و ناپایدار خواهد بود.

منابع

- ۱) آزادی، افشین؛ ترابی، محمد و حیدرپور، ماشاءالله (۱۳۹۹). «جمهوری اسلامی ایران و فضای مجازی؛ راهکارهایی برای حل چالش‌ها»، **فصلنامه مطالعات دفاع مقدس**، سال ششم، شماره ۳، صص ۱۴۷-۱۷۸.
- ۲) اسلامی، محسن و ملکی عزین آبادی، روح اله (۱۳۹۷). «تحول مفهوم بازدارندگی در پرتو برجستگی امور معنایی در روابط بین‌الملل»، **دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۷۹-۲۰۴.
- ۳) امنیت اجتماعی روایتی جامع (۱۳۸۲). **گزارش‌های پژوهشی شماره ۷-۴-۲**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۴) اورعی، غلامرضا صدیقی (۱۳۷۸). «تأثیر عوامل ساختاری بر پدیده امنیت یا ناامنی اجتماعی»، ارائه شده در **همایش توسعه و امنیت عمومی**، وزارت کشور، اسفند ماه.
- ۵) برجعلی زاده، محمد؛ جعفری، علی و کردی، ناهید (۱۳۹۸). «بررسی نقش رسانه‌های نوین در گسترش تروریسم در عرصه بین‌الملل»، **دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۹، شماره ۱، صص ۱۳۹-۱۷۲.
- ۶) بوزان، باری (۱۳۷۸). **مردم، دولتها و هراس**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۷) بیرو، آلن (۱۳۷۰). **فرهنگ علوم اجتماعی**، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- ۸) بیگدلی، علی (۱۳۷۹). **توسعه سیاسی و امنیت عمومی**، ارائه شده در همایش «امنیت عمومی و وحدت ملی»، بهمن ماه.
- ۹) پای، لوسین دلیو و بایندر، لئونارد (۱۳۸۰). **بحران‌ها و توالی در توسعه سیاسی**، ترجمه غلامرضا سروری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۰) جنیدی، رضا و ملائی، مسعود (۱۳۹۸). «راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا»، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، دوره ۳، شماره ۸، صص ۶۵-۸۹.
- ۱۱) حسنی فر، عبدالرحمن (۱۳۸۳). «دولت و امنیت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه دین و ارتباطات**، پاییز، شماره ۲۳.

- ۱۲) خانجانی، قاسم (۱۳۹۸). «راه‌های مقابله با نفوذ فکری و فرهنگی در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)». **دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۹، شماره ۱، صص ۱-۳۰.
- ۱۳) خبرگزاری ایسنا، «کاهش ازدواج و افزایش نرخ ولادت در سال ۹۴»، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۵، کد خبر: ۹۵۰۲۱۹۱۱۶۵۶.
- ۱۴) خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۸۰). «نقش امنیت در تحقق قانونگرایی در جامعه»، **ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، شماره ۱۴۴-۱۴۳.
- ۱۵) دارا، جلیل و خاکی، محسن (۱۳۹۷). «جایگاه شبکه مسلمانان میانه‌رو در اعمال قدرت نرم آمریکا؛ با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، **دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۸، شماره ۱، صص ۵۶-۷۷.
- ۱۶) دارابی، علی (۱۳۹۵). **آینده پژوهی انقلاب اسلامی**، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- ۱۷) ذولفقاری، مهدی و دشتی، فرزانه (۱۳۹۷). «مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی»، **دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۲۷-۱۵۴.
- ۱۸) زیبایی نژاد، مریم (۱۳۹۸). «احیای انگاره‌های مهم هویتی در پرتو انقلاب اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی**، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۸۷-۲۰۶.
- ۱۹) **سایت خبری تحلیلی الف**، «جدیدترین آمار مصرف مواد مخدر در ایران»، چهارشنبه ۲۹ مهر ۱۳۹۴، کد مطلب: ۳۰۳۶۲۸.
- ۲۰) صالحی امیری، سیدرضا و کاووسی، اسماعیل (۱۳۹۱). **فرهنگ و مدیریت سازمان‌های فرهنگی**، چاپ دوم، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۲۱) علینقی، امیرحسین (۱۳۸۱). «جایگاه امنیت در استراتژی ملی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال پنجم، شماره دوم.
- ۲۲) عمید، حسن (۱۳۷۹). **فرهنگ فارسی**، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۲۳) کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۲). **روابط بین‌الملل در تئوری و عمل**، تهران: نشر قوس.

۲۴) کاظمی، پریسا و بشیری، اکبر (۱۳۹۸). «سازوکارهای تضمین حقوق بنیادین بشر در نظام حقوقی عمومی ایران»، **دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی**، دوره ۸، شماره ۱۶، بهار و تابستان، صص ۱۴۰-۱۱۹.

۲۵) گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). **تجدد و تشخیص**، ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

۲۶) لیک، دیوید و ای مورگان، پاتریک ام (۱۳۸۱). **نظم‌های منطقه‌ای؛ امنیت سازی در جهان نوین**، ترجمه سیدجلال دهقانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۲۷) معین، محمد (۱۳۶۳). **فرهنگ فارسی**، چاپ ششم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

۲۸) **المنجد فی اللغه** (۱۹۷۳م). تهران: انتشارات اسماعیلیان، چاپ ۲۳، افست از روی دارالمشرق، بیروت.

۲۹) نصیری، قدیر (۱۳۷۸). «معنا و ارکان جامعه شناسی امنیت»، **جزوه مفهوم شناسی امنیت (شرحی بر تهدیدات)**، تهران: موسسه مطالعات راهبردی.

۳۰) نصیری، سوناز (۱۳۹۸). «نقش قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه

موردی عراق)»، **دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، دوره ۹، شماره ۱، صص ۲۶۵-۲۸۷.

۳۱) نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲). «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال ششم، شماره ۱۹.

32) Jones, Richard W (1999). **Security, Strategy, and Critical Theory**, London, Lynne Rienner Publications.